

یادگیری، تفکر و کار آفرینی

در خدمت توسعه روستایی

۲۲۰

محمدعلی اسماعیل زاده

عضو شورای راهبری گروه آموزشی و پژوهشی
آسمان در دانشگاه صنعتی شریف

سیور
Sivar

روستای سیور در جوار روستاهای علی آباد و ماندگان قرار دارد. تنها مدرسه دوره متوسطه اول برای پسرها در روستای ماندگان واقع شده و دانش آموزان از دو روستای دیگر پای پیاده یا سوار بر موتورسیکلت خود را به این مدرسه می‌رسانند. برای تحصیل در دوره متوسطه دوم هم دانش آموزان دختر و پسر باید به مدارس شبانه‌روزی شهر سمیرم بروند.



«اولین رویداد» هم‌نت روستا «با هماهنگی بنیاد نخبگان استان اصفهان از تاریخ ۳۱ فروردین تا ۳ اردیبهشت ۱۳۹۵ در دو روستای سیور و کفران در استان اصفهان برگزار شد». هم‌نت «یا همان» همکاری، مشکل‌گشایی، نوآوری و توانمندسازی «در حوزه‌های مختلفی برنامه‌ریزی شده است» و هم‌نت روستا «به دنبال یافتن راه‌حل‌های تازه و کارآمد برای پیشرفت پایدار روستا با همکاری روستاییان است و فرصت‌هایی برای خلق و راه‌اندازی کسب و کارهای نوآورانه فراهم می‌کند.»

به دعوت بنیاد نخبگان استان اصفهان قرار شد در حاشیه رویداد هم‌نت، برای دانش‌آموزان این روستاها اردوی تفکر سیستمی در مدرسه را برگزار کنیم. صبح روز ۳۱ فروردین بعد از نماز صبح به همراه دکتر تورج منتظری از اصفهان به سمت روستای سیور حرکت کردیم. روستای سیور در ۶۵ کیلومتری جنوب شهرستان سمیرم و در ارتفاعات زاگرس واقع شده است و چشم‌اندازهای بسیار زیبایی دارد. شغل بیشتر مردم روستا مانند بیشتر روستاهای اطراف شهرستان سمیرم، باغداری و محصول عمده باغ‌ها سیب است.





کلاس ما ۳۸ دانش آموز پایه هفتم، هشتم و نهم داشت و بعضی از معلم‌های مدرسه هم در کلاس همراه بودند. حضور ما در مدرسه با یک عالم علامت سؤال و تعجب و ابهام در ذهن دانش‌آموزان و کارکنان آموزشی مدرسه همراه بود و کسی نمی‌دانست که قرار است چکار کنیم.

کلاس را با معرفی دانش‌آموزان شروع کردیم. هر دانش‌آموزی ضمن معرفی خود، تصویری را که از چهل سالگی خودش در ذهن داشت بیان می‌کرد؛ اینکه در چهل سالگی چکاره است، کجا زندگی می‌کند و ازدواج کرده یا نه و سؤال‌هایی مانند این‌ها که به توالی از دانش‌آموزان پرسیده می‌شد. دانش‌آموزان در هر دور از معرفی، به دو یا سه سؤال از این نوع پاسخ می‌دادند. مطرح کردن این سؤال‌ها از یک سو فرصت همراهی دانش‌آموزان با کلاس را فراهم می‌کرد و از سوی دیگر، ذهنیتی در مورد مسیر فکری دانش‌آموزان به من می‌داد و اینکه در چه حوزه‌هایی می‌توانم مسیر کلاس را هدایت کنم.

تصویر من در آینده - اهداف اصیل در مقابل اهداف عاریتی - این تمرین نشان‌دهنده مدل ذهنی دانش‌آموزان از آینده خودشان است. یکی از نقاط توجه در این تمرین این است که دانش‌آموزان تصویر ذهنی‌شان را براساس خواسته‌های دیگران تنظیم کرده‌اند یا بر اساس آنچه واقعا خودشان می‌خواهند.

را هم به گردش در روستا پرداختیم و دانش‌آموزان روستاهایشان را به ما معرفی کردند. با هم به آرامگاه روستا رفتیم و بر سر مزار اقوام دانش‌آموزان فاتحه خواندیم و خاطرات خوبی را که بچه‌ها از اقوامشان در ذهن داشتند بیان کردند. بازی‌های مرتبط با این مفاهیم و تفسیر سوره والعصر را نیز با هم انجام دادیم.

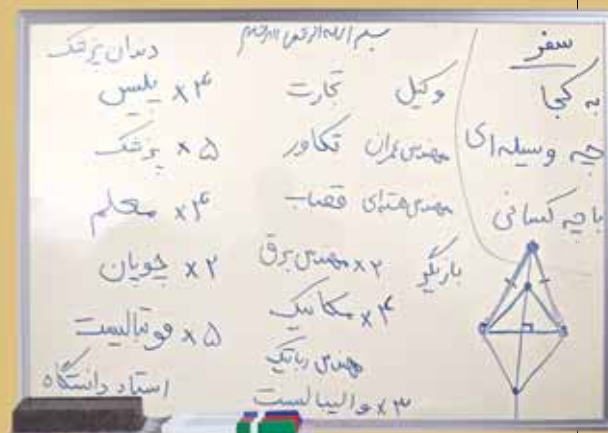
روز دوم، کلاس را با بحث در مورد شادی شروع کردیم و دانش‌آموزان از کارهایی که می‌توانند برای افزایش شادی در خانواده و روستایشان انجام دهند، مثال‌های متعددی زدند. کمک به دیگران، لبخند زدن، احترام گذاشتن، پاکیزگی، هدیه دادن، شرکت در نماز جماعت، کتاب خواندن، جشن گرفتن، خوش اخلاقی، رعایت قانون روستا، بازی کردن و مانند آن‌ها موارد متعددی بودند که دانش‌آموزان برای افزایش شادی مطرح کردند. در ادامه بحث شادی، از دانش‌آموزان خواستم بازی‌های

هدف از این فعالیت و فعالیت بازی‌های محلی که روز بعد انجام شد، توجه و اهمیت دادن به هویت است.

محلی‌ای را که بلدند برای کلاس توضیح دهند و معلمان هم همراهی کردند و چند بازی را با هم در کلاس و در حیاط مدرسه اجرا کردیم. بازی حومه، گرنه، بشک‌بشک، دستمال بازی،

چوب‌بازی، کیلو کیلو، شلاقی، امیر کبیر و بازی‌های متعدد دیگری که بعضی از آن‌ها را برای اولین بار دانش‌آموزان از معلمان‌شان یاد می‌گرفتند و برایشان بسیار جذاب بود.

بعد از ظهر روز دوم، موضوع کلاس‌مان کارآفرینی بود. از دانش‌آموزان خواستم توانمندی‌های روستا و منابع طبیعی‌ای را که روستای آن‌ها را از جاهای دیگر متمایز می‌کند، بیان کنند. بعد با هم فکر کردیم که هر یک از این توانمندی‌ها و منابع به چه کسب و کاری می‌تواند منجر شود. پرورش ماهی، آب معدنی،



در میان معرفی‌ها هم بازی‌های تفکر سیستمی را به تناسب موضوعاتی که مطرح می‌شد، با هم انجام می‌دادیم و ربط این بازی‌ها و مفاهیم سیستمی نهفته در آن‌ها را به زندگی پیدا می‌کردیم. در بخشی از کلاس هم به صحبت کردن در مورد توانمندی‌های دانش‌آموزان پرداختیم و هر کسی می‌گفت که چه کاری را خوب بلد است و در مورد آن کار توضیحاتی برای کلاس می‌داد که نشان‌دهنده تسلط او بر آن کار بود و البته دانش‌آموزان مهارت‌هایی مانند جوشکاری و ساخت در و پنجره و بنایی و نجاری و هرس درختان و تعمیر خودرو و شکار و بسیاری از مهارت‌های دیگر داشتند که نشان می‌داد بچه‌های روستا برای وقتشان اهمیت زیادی قائل‌اند و در فرصت‌هایی که در اختیار دارند، به کار می‌پردازند و مهارت‌های زیادی در عمل آموخته‌اند. در قسمتی از وقت کلاس بعد از ظهر

توجه به توانمندی‌های دانش‌آموزان به افزایش اعتماد به نفس و حس دیده شدن و توجه به فرصت‌های یادگیری از هم‌کلاسی‌ها کمک قابل توجهی می‌کند.

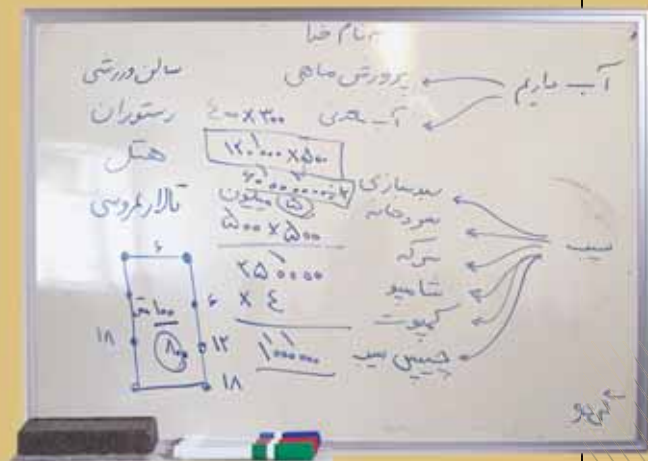


هدف از این فعالیت توجه به نقش عاملیت و اثرگذاری دانش‌آموزان در بهبود محیط زندگی‌شان است.

سبب‌سازی، سردخانه، سرکه سیب، شامپوی سیب، کمپوت، چیپس سیب، سالن ورزشی، رستوران، هتل و تالار عروسی مواردی بود که برای کسب و کار پیشنهاد داده شد.

راه‌اندازی کارگاه سبب‌سازی را برای بررسی بیشتر انتخاب کردیم. برای اینکه بینیم سبب‌سازی از نظر اقتصادی در این منطقه به صرفه هست یا نه، شروع به طراحی یک طرح

توجیهی کردیم. از سبدها قرار بود برای چیدن سیب استفاده شود که محصول اول باغ‌داری منطقه است. اولین سؤال این بود که تقاضای خرید سبب در بازار روستاهای اطراف چقدر است. محاسبه این عدد بدون در اختیار داشتن آمار واقعی کار پیچیده‌ای بود اما تصمیم گرفتیم در کلاس این رقم را تخمین بزنیم.



بحث مفصلی در کلاس شکل گرفت و نظر دانش‌آموزان و روش محاسبه‌شان را روی تخته نوشتیم:

۴ فاصله درختان سیب از هم حدود ۶ متر است؛ پس، در هر ۱۰۰ متر حدود ۸ درخت داریم.

۴ آقا ... هر هکتار ۱۰۰ تا ۱۰۰ متریه؛ پس می‌شه ۸۰۰ درخت. ۴ آقا، فاصله‌های خالی بین ۱۰۰ متری‌ها را هم باید در نظر

بگیریم؛ ۲۰۰ متر نمی‌شه ۱۶ درخت، می‌شه ۱۲ درخت.

۴ آقا، هر هکتار این جوری می‌شه حدود ۵۰۰ درخت.

۴ هر درخت حدود ۱۰۰ کیلو سیب می‌ده.

۴ هر خانواده‌ای متوسط حساب کنیم، حدود ۵۰۰۰ متر زمین داره و ما اینجا حدود ۱۰۰۰ خانواده داریم؛ پس ما اینجا حدود ۵۰۰ هکتار زمین داریم،

۴ ۵۰۰ هکتار که هر هکتار ۵۰۰ تا درخت داشته باشه، می‌شه ۲۵۰ هزار درخت.

۴ هر درخت ۱۰۰ کیلو سیب می‌ده و هر سبب، ۲۵ کیلو سیب جامی‌شه.

۴ پس برای هر درخت، ۴ تا سبب لازمه و می‌شه یک میلیون سبب!

در همین موقع، نمایندگان شهرداری و دهداری و همراهانی از سازمان‌های دیگر هم برای بازدید وارد کلاس شدند. اعداد و ارقام بچه‌ها را که دیدند، تعجب کردند و گفتند که اعداد واقعی تقریباً همین‌هاست و اینکه ما خودمان هم این قدر دقیق مصرف سبب را محاسبه نکرده‌ایم.

خب بچه‌ها بازار روستاهای اطراف رو حساب کردیم که چقدر سبب لازم داره.

حال بگذارید حساب کنیم که برای بافت سبب چه ابزارهایی لازم داریم و چقدر سرمایه می‌خواهیم و هر نفر در کارگاه سبب‌بافی در سال چند سبب می‌تواند درست کند.

۴ آقا، با دستگاه سبب‌بافی هر نفر روزی ۴۰۰ تا سبب می‌تونه درست کنه.

۴ آقا، در سال ۳۰۰ روز هم که حساب کنیم، می‌شه ۱۲۰ هزار سبب.

۴ هر سبب ۸۰۰ تومن برای خودمون درمیاد و ۱۳۰۰ تومن می‌تونیم بفروشیم. پس، سود هر سبب می‌شه ۵۰۰ تومن.

۴ ۱۲۰ هزار تا ۵۰۰ تومن می‌شه ۶۰ میلیون؛ (از سرعت محاسبات دانش‌آموزان متعجب بودم که چطور می‌توانند ذهنی و به این سرعت محاسبات را انجام دهند.)

۴ آقا، سالی ۶۰ میلیون تومن می‌شه ماهی ۵ میلیون تومن؛ خدا بده برکت!

۴ آقا این جوری‌ها هم نیست. شما هزینه‌های کارگاه رو حساب کنید. تمام سال هم که سبب لازم نداریم.

۴ سبب فقط سه ماه لازمه؛ بقیه سال سبب بیافیم کجا انبار کنیم؟ پول هم خیلی لازم داره.

۴ آقا، کارگاه نمی‌خواد؛ می‌تونیم تو خونه خودمون یک دستگاه بگذاریم و سبب بیافیم. سه ماه هم که کار کنیم می‌گیم شکر خدا.

۴ آقا، سبب فقط برای سیب که نیست. می‌تونیم برای پرتقال هم استفاده کنیم. فصل برداشتش فرق می‌کنه.

ایده‌های بسیار متنوعی در کلاس مطرح شد و نتیجه هم این بود که حدودی از کسب و کار سبب‌سازی را بررسی کرده‌ایم اما برای سرمایه‌گذاری، به مطالعه بیشتری نیاز داریم.

بحث سرمایه‌گذاری در مورد کارگاه سبب‌سازی یک الگو برای دانش‌آموزان بود که چطور می‌توانند برای راه‌اندازی یک کسب و کار، محاسبات اقتصادی انجام دهند و جوانب کار را بررسی کنند تا نقاط ابهام کمتر شود و زمینه موفقیت در آن کسب و کار بهتر فراهم آید.

آخرین برنامه‌آردوی دوره یادگیری و تفکر سیستمی، همراهی با دانش‌آموزان تا چنار ۴۰۰ ساله کنار روستا و صحبت کردن در مورد محیط زیست و سرود خواندن دسته جمعی بود. بعد هم با بدرقه دانش‌آموزان و معلمان‌شان، به همراه دهیار روستای سیور به سمت روستای کفران واقع در شرق استان اصفهان حرکت کردیم تا روزهای پنجشنبه و جمعه دوم و سوم اردیبهشت ماه را با دانش‌آموزان پایه پنجم و ششم آن روستا همراه باشیم.